

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هواداری از بامیان

۱۶ مارچ ۲۰۱۲

«دولت ده غم آدم غریب نیه»

در ماه جوزای همین سالی که داریم سفری به ارتباط وظیفه به ولسوالی های ورس و پنجاب ولایت بامیان داشتم. مردم ولسوالی های ورس و پنجاب مثل سایر محرومان افغانستان از جمله محروم ترین و فقیر ترین مردم دنیا می باشند. قریه های لیگان، پچندور، تسور، خاک بچه گان و پیازان از جمله قریه هائی اند که هیچ گونه امکانات رفاهی در آن دیده نمی شود: نه سرکی دارد؛ نه دوا وداکتری، نه کلینیکی و نه هم کوچکترین امکانات اولیه زندگی برای زحمتکشان در این منطقه میسر می باشد. مرکز ولسوالی را که عموماً پولداران تصاحب کرده اند، دارای خانه های مجلی است که این ثروتمندان برای خود ساخته اند.

مردم «پیازان» که از جمله قریه های بسیار محروم ولسوالی ورس اند، در فقر مطلق زندگی می کنند. وقتی به این قریه رسیدم پیرمردی را دیدم که بالای زمینی مصروف آبیاری بود، نزدیکش رفتم. فقر و محرومیت به وضاحت از چهره و لباسش هویدا بود، دست هایش ترکیده و گوشه‌هایش نا شنوا بود. جویای احوالش شدم نام خود را محمد علی گفت. از وضعیت زندگی اش پرسیدم، گفت:

«مه شش نفر ایال درم وهرچی شو وروز کار مو کنم نمی تنوم شکم ایال خود ره از نان خشک سیر کنم، ده بهار دهقانی زمینداره موکنم وده زمستان مزدوری شی ره». خواستش را از دولت پرسیدم سرش را با نا امیدی تکان داد وگفت:

«مه ۶۵ ساله شویدم دولتی که ده غم مردم بشه ندیدوم، دولت ده غم آدم غریب نیه».

از علت نا شنوائی اش پرسیدم، چشمانش را حلقه های اشک گرفت، برایم گفت:

«سال های پیش ده دوران جنگ های تنظیمی به خاطر خرید سودا به ولسوالی مورفتم که چند نفر تفنگ واله موی دراز مره گرفتن وازمه طلب گوسپونمود که برای شان بوکوشم مگه مه قبول نکدوم اونا مه ره خیلی کلو زدن و آخر دستای مره بسته کدن و چند دانه راکت ده بیخ گوش مه فیر کدن ازو پس مه کر شدوم»

راه را از او پرسیدم، با مهربانی برایم نشان داد ودر وقت خداحافظی برایم گفت:

« نان ودوغ دروم بیه قتی بخوری آخته بورو » از او تشکری کردم و از این که از درد دل او پرسیده بودم تا خیلی از او دور نشده بودم، برایم دست تکان می داد.

این است زندگی اسفناک مردم محروم بامیان که نمونه زندگی سائر محرومان افغانستان ما می باشد. خوراک این زحمتکشان، نان ودوغ، لباس شان بَرک و کتان، پاپوش شان دوبي و سر پناه شان مغاره ها می باشد. ولی هستند خر پول هائی که از صد راه نا مشروع و کثیف صاحب ثروت شده اند، نه زحمت می کشند و نه هم به فکر مردم محروم جامعه هستند فقط انگل وار از خون مردم می مکند، در عیش و عشرت اند. پس بر زحمتکشان مظلوم بامیان است تا در کنار هم برادرانه و متحدانه ایستاده و از حقوق شان دفاع نمایند و نگذارند کسانی که تا هنوز به خاطر منافع شخصی خود و به خاطر منافع اربان خارجی شان با سرنوشت بامیانی ها بازی کرده و از این طریق صاحب ثروت های افسانه ئی و مقام و منصب شده اند، دوباره آنها را به مسایل قومی، نژادی، مذهبی و ... مصروف سازند و خود به نان و نوائی برسند که حق کاکاهائی مثل محمد علی از قریه پیازان می باشد، که اینها دزدانه چور و چپاول می کنند.